حمایت مهناز افشار و آزاده نامداری از حضور زنان در عرصه گزارشگری ورزشی

خانم‌ها! بفرمایید فوتبال گزارش کنید

ایجاد یک کمپین بامزه به نام «خانم گزارشگر» شاید در آینده منجر به این شود که گزارشگران سرشناس ورزش ایران، کسانی مثل عادل فردوسی‌پور، جواد خیابانی، مزدک میرزایی، هادی عامل و خیلی‌های دیگر رقیبان تازه‌ای پیدا کنند. زنان که پیش از این و در عرصه‌های دیگر توانسته‌اند حتی گاهی مردان را از میدان رقابت خارج کنند حالا دارند پا به عرصه گزارشگری ورزشی می‌گذارند. «خانم گزارشگر» مسابقه‌ای است که با هدف ورود زنان به دنیای گزارشگری فوتبال در نظر گرفته شده تا استعدادهای نهفته در این رشته را پیدا کنند و آنها را به منصه ظهور برسانند. این مسابقه که با همکاری سایت ورزش سه و سایت تماشا آغاز شده بازتاب‌های زیادی داشت، به‌طوری که مهناز افشار ستاره سرشناس سینما و تلویزیون حمایت گسترده‌ای انجام داد و با ایجاد کمپینی به نام خانم گزارشگر به حمایت از موضوع پرداخت. این مسابقه سه داور سرشناس هم دارد. حمیدرضا صدر نویسنده و کارشناس فوتبال، جهانگیر کوثری تهیه‌کننده سینما و گزارشگر فوتبال و بالاخره نیلوفر اردلان کاپیتان سابق تیم ملی فوتسال بانوان ایران سه داوری هستند که گزارش‌های خانم‌های علاقه‌مند را داوری کرده و بهترین‌ها را انتخاب می‌کنند. از طرفی خانم‌های گزارشگر برای گزارش تصاویر مسابقات هیچ محدودیتی ندارند و می‌توانند با توجه به خلاقیت خودشان این مسابقات را گزارش کنند. به این ترتیب که علاقه‌مندان ویدیوهای گزارشگری‌شان را روی سایت تماشا آپلود می‌کنند و در اختیار داوران و عموم قرار می‌دهند. جالب این که آزاده نامداری نیز بخش پایانی دیدار ایران و استرالیا را گزارش کرده و سر و صدای زیادی به راه انداخته است. گفتنی است؛ بهترین خانم‌های گزارشگر می‌توانند تبدیل به نخستین گزارشگران زن ورزش ایران شده و نام‌شان در تاریخ این عرصه ثبت خواهد شد.

قول می‌دهم از خانم‌ها گزارش‌های خوبی خواهید شنید

شهروند| آزاده نامداری مجری تلویزیون که برای مخاطبان هم شناخته شده است، این روزها سرگرم رتق و فتق امور کمپینی است زنانه با زمینه ورزشی. او کمپین خانم گزارشگر را راه انداخته تا همزمان با جام‌جهانی بتواند بخشی از مطالبات جامعه زنان را مطرح کند. او با «شهروند» به گفت‌وگو نشسته و درباره این موضوع صحبت کرده است و تأکید هم دارد که این کار یک کار فمنیستی نیست و دعوایی با مردان در این زمینه ندارد؛ نامداری از مردان هم خواسته در این زمینه به او کمک کنند. مشروع این گفت‌وگو در ادامه آمده‌است.

شنیدم که کمپینی با نام خانم گزارشگر راه انداخته‌اید. این کمپین از کجا آمد و چه چیزی می‌خواهد؟

ماجرا این است که یک‌سری از دوستان که هم به فوتبال و هم به کار نو علاقه دارند، دور هم جمع شدند که من هم یکی از آنها بودم و احساس کردیم خیلی کارها هست که خانم‌ها می‌توانند انجام بدهند و هنوز تعریفی از آن نداریم. ما دیدیم که همزمانی با جام‌جهانی فرصت خوبی است که بتوانیم برخی از مطالباتمان را مطرح کنیم. به هر حال باید بپذیریم رفتن تیم‌ملی به جام جهانی باعث و بانی شده که خیلی اتفاقات رقم بخورد؛ یکی از آنها می‌تواند همین مطالبات خانم‌ها باشد. به هر حال سال‌هاست که خانم‌ها برای رفتن به ورزشگاه‌ها و تماشای مسابقات فوتبال دارند تلاش می‌کنند اما به دلایلی از آن جلوگیری می‌شود.

یعنی این تلاش‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است و مطالبه زنان محقق نشده است؟

بله! محقق نشده و دست‌کم این است که به رسمیت شناخته نمی‌شود. علاوه بر رفتن به ورزشگاه‌ها، کار دیگری که می‌شود انجام داد که مربوط به فوتبال باشد، همین گزارشگری مسابقات فوتبال است. چیزی که بسیاری خانم‌ها خیلی خوب از عهده آن برمی‌آیند. ولی در این زمینه چه در سطح کشور و حتی سطح منطقه و آسیا خانم‌ها دیده نشده‌اند یا حداقل در این زمینه کار نکرده‌اند. به همین دلیل ما نمونه‌هایی را ارایه کردیم تا نشان دهیم خانم‌ها چقدر می‌توانند در این زمینه موفق باشند.

اجرای کمپین را چطور پیش بردید؟

این کمپین مثل کمپین‌های دیگر این‌طور نیست که سلبریتی‌ها همدیگر را دعوت کنند و کار محدودی اتفاق بیفتد. ما در این زمینه تقاضای مردمی داریم از سطح کوچه و خیابان تا دانشگاه‌ها و هر کسی که فوتبال دوست دارد، این کار را انجام می‌دهد و ما هم از تمام مردم تقاضا داریم هر کسی که علاقه دارد، گزارش‌های خود را به آدرسی که اعلام کردیم، ارسال کند تا ما علاوه بر این که از رفتن تیم‌ملی و دیدن بازی‌های آن در جام‌جهانی خوشحالیم و شادی می‌کنیم، این خوشحالی را هم داشته باشیم که شغل جدیدی برای زنان تعریف کرده‌ایم. حتی اگر که فقط جنبه سرگرمی داشته باشد، اعلام کردیم که خانم‌ها هم به فوتبال علاقه دارند. این را هم باید توجه داشته باشیم که برخی از آقایان در فوتبال ما را تحقیر می‌کنند؛ مثلا وقتی از طرفداری استقلال و پرسپولیس حرف می‌زنیم، این جمله را بارها شنیده‌ایم که تو چه می‌دانی؟ و ما می‌خواهیم نشان بدهیم که وقتی خانمی یک بازی‌ای را گزارش می‌کند، چقدر با اطلاع است، چقدر به‌روز است و اصلا فوتبال جنسیتی نیست و زن و مرد ندارد.

> **ماجرا این است که یک‌سری از دوستان که هم به فوتبال و هم به کار نو علاقه دارند، دور هم جمع شدند که من هم یکی از آنها بودم و احساس کردیم خیلی کارها هست که خانم‌ها می‌توانند انجام بدهند و هنوز تعریفی از آن نداریم**

قبول دارید این کار کمی مردانه تعریف شده است؟ چون در دنیا هم سابقه‌ای ندارد؛ خود شما در دنیا گزارشگر فوتبال زن می‌شناسید؟

در خاورمیانه ما نداریم.

به هر حال وقتی ما می‌خواهیم کاری کنیم که سابقه‌ای ۵۰ ساله دارد، شما بهتر آن را انجام می‌دهید تا من که می‌خواهم تازه آن را شروع کنم. اساسا این مقایسه، مقایسه اشتباهی است. من از آقایان هم توقع دارم به جای این که در موقعیت منازعه قرار بگیرند و تمسخر کنند یا حالت تدافعی و ایراد بگیرند و بخواهند از گزارش خانم‌ها چیزی دربیاورند، بدانند امروز من با ۵۰ سال توانایی و سابقه آنها دارد رقابت می‌کنند و کمک کنند، بزرگترین کمک هم این است که ساکت باشند لطفا. فعلا کلیتش را بپذیرند که خانم‌ها می‌توانند وارد این حوزه شوند و خرده نگیرند.

گزارشگران مرد هم کارشان پر از انتقاد است...

بله، مردم ما، مردم خیلی ایده‌آلیستی هستند و کلا اگر یک اشتباه کوچکی داشته باشید، آن را بسیار بزرگ می‌کنند. برعکسش هم صادق است. کافی است از کسی خوش‌شان بیاید، بدترین گاف‌هایش را هم می‌بخشند. من نکاتی برایم خیلی مهم است؛ یکی این که این کمپین با کمپین‌های دیگر این تفاوت را دارد که در کمپین‌های دیگر افراد همدیگر را دعوت می‌کردند، اما در این کمپین همه خانم‌ها دعوتند، نه سن برای‌مان مهم است، نه این که اهل کجا هستند، فقط علاقه نیاز است که بتوانند ۲ دقیقه فوتبال را گزارش کنند. از آقایان هم خواهش می‌کنم منتظر این نباشند که گزارش را با یک گزارش تمام حرفه‌ای مقایسه کنند، این کار، کاری در آغاز است. من قول این را می‌دهم که گزارش‌های خیلی خوبی هم خواهند دید.

این کمپین مرحله بعدی هم دارد؟ مثلا در خلال جام‌جهانی؟

حتما! تازه شروع این کار است و خیلی ایده‌های بزرگی داریم و ایده‌های بزرگی هم در راه است، اما برنامه‌های مختلف در این مسیر هنوز قطعیت پیدا نکرده است. می‌خواهم بگویم انعطاف برنامه‌های ما بسیار بالاست. خانم افشار در اینستاگرام خودشان از این کمپین حمایت و مردم را دعوت کرده و ما هم نمونه‌هایی را می‌گذاریم که مردم بتوانند با توجه به آنها گزارش‌های‌شان را تولید و ارسال کنند.

شما خودتان خانمی را می‌شناسید که استعداد ویژه‌ای در این زمینه داشته باشد؟

بله. اسم نیاورم بهتر است. ما انتشار آنها را چند تا چند تا شروع می‌کنیم تا مردم ببینند. این را هم بگویم لزومی ندارد که گزارشگر حتما آدم شناخته‌شده‌ای باشد. یکی ممکن است دانشجوی حسابداری باشد، اما استعداد زیادی در گزارشگری داشته باشد، باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم

این می‌تواند برای یک رسانه؛ شبکه اینترنتی جذابیت ایجاد کند و برای مخاطبان هم ممکن است موضوع پرجاذبه‌ای باشد.

قطعا همین‌طور است. این هدف برای ما خیلی مهم است که به‌روز شده باشیم و یک زن را همراه تیم ملی به جام‌جهانی بفرستیم تا بتواند بازی‌ها را گزارش کند. وقتی راهی را باز کنیم، یعنی بالاخره آن اتفاق می‌افتد.

جدا از گزارش مسابقه، مجری‌گری مسابقات ورزشی هم هیچ ایراد عرفی و شرعی ندارد و زنان می‌توانند در این زمینه ورود کنند.

من خودم این کار را تجربه کردم، اما در شبکه جام‌جم، برای ایرانیان خارج از ایران. آن‌جا این خوبی را داشت که نسبت به شبکه‌های داخلی کمتر در دسترس و جایی برای آزمون و خطا بود. برنامه‌ای بود به تهیه‌کنندگی آقای پیمان یوسفی که در زمینه ورزش‌های مختلف برنامه تولید می‌کرد، حتی درباره لیگ جزیره؛ خیلی هم تخصصی بود، آن‌جا مجری بودم و میهمانانی از قبیل آقای صدر و آقای مظلومی، مربی استقلال هم داشتیم. اما بعد از سه ماه به ما گفتند که نباید این کار را انجام دهید، چون ورزش کاری مردانه است. آقای صدر در آن روز گفت که من به مدیران تلویزیون تبریک می‌گویم که یک زن، مجری ورزشی است و تبریک او آخرین بار بود.

شبکه‌های اینترنتی درست است که مخاطب کمتری دارد، اما دست‌شان بازتر است. در شبکه‌های رسمی نمی‌گویم دور است، اما باید بایستیم و مطالبه کنیم.

اسپیلبرگ و دی کاپریو در کارزار ریاست جمهوری!

شهروند| انگار قرار نیست استیون اسپیلبرگ دست از سر روسای جمهوری آمریکا بردارد. او که چندی پیش با فیلم لینکلن نگاهی انداخته بود به زندگی یکی از مشهورترین روسای جمهوری تاریخ آمریکا؛ این بار انگار قرار شده درباره ژنرال گرانت فیلم بسازد. مردی که از او به‌عنوان هجدهمین رئیس‌جمهوری آمریکا یاد می‌کنند.

ددلاین گزارش می‌دهد که این روزها استیون اسپیلبرگ و لئوناردو دی کاپریو با استودیوی لاینزگیت مشغول مذاکره‌اند تا در صورت توافق نهایی، فیلم زندگینامه هجدهمین رئیس‌جمهوری آمریکا را مقابل دوربین ببرند. البته هنوز قرارداد اسپیلبرگ برای کارگردانی این پروژه قطعی نشده و لاینزگیت هم از اظهارنظر دراین‌باره خودداری کرده است.

اسپیلبرگ که با ساخت حماسه جنگ داخلی لینکلن در سال ۲۰۱۳ موفق به دریافت هشتمین نامزدی اسکارش در رشته کارگردانی شد و دنیل دی لوییس برای ایفای نقش رئیس‌جمهوری آمریکا برای سومین بار جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را با خود به خانه برد؛ اگر موفقیت‌های آن فیلم را در ژنرال گرانت هم به دست آورد، شانس دوباره‌ای به لئوناردو دی کاپریو خواهد داد تا برای دومین بار اسکار را در دست بگیرد. این دو که آخرین بار در فیلم اگه می‌تونی منو بگیر با هم همکاری داشتند، در ژنرال گرانت قرار است زندگی مردی را تصویر کنند که زمانی که جنگ داخلی آمریکا آغاز شد، در مغازه چرم‌فروشی پدرش کار می‌کرد. در خدمت فرماندهی یک هنگ از داوطلبان متمرد رابه او سپردند و چون توانست هنگ را منظم کند و در جنگ داخلی آمریکا ازخود شهامت و لیاقت نشان دهد از سوی آبراهام لینکلن به‌عنوان سرلشکر نیروهای داوطلب منصوب شد. روند رو به رشد ژنرال گرانت ادامه یافت و او در انتخابات سال ۱۸۶۸ بر رقیب دموکراتش، هوراشیو سیمور، پیروز شد و به‌عنوان هجدهمین رئیس‌جمهوری آمریکا به کاخ سفید رفت.

گفتنی است در یک‌سال اخیر، دو فیلم سینمایی پست و بازیکن شماره یک آماده به کارگردانی اسپیلبرگ در سینماها به نمایش درآمده است. او این روزها در تدارک ساخت پنجمین فیلم ایندیانا جونز است.

گلایه‌های آقای خواننده

اکبر گلپا از آنهایی که نگذاشتند صدایش پخش شود، انتقاد کرد

شهرون| اکبر گلپا (گلپایگانی) را کمتر کسی است که نشناسد. او آقای صدا در دهه‌های دور بود؛ چهار - پنج دهه پیش اما هنوز هم در یاد دوستداران موسیقی مانده است. علاقه‌مندانی که در چهار دهه گذشته صدای او را نشنیده‌اند و بیشتر با گوش‌دادن به ساخته‌های قبلی‌اش دلخوش بوده‌اند، چندی پیش خبری آمد که دارد با محمدجلیل عندلیبی کار جدید انجام می‌دهد و حالا هم مصاحبه کرده و گلایه‌هایی را از آنها که نگذاشته‌اند صدایش پخش شود، منتشر کرده است. رئوس این گلایه‌ها در ادامه می‌آید:

آن آقایی که آن زمان به رادیو آمده بود و خودش را شاعر معرفی می‌کرد (هوشنگ ابتهاج)، یک عده رفتند پیشش و گفتند اگر پرویز یاحقی، فرهنگ شریف، حسن کسایی، جلیل شهناز، امیرناصر افتتاح و... در «گلها» باشند، ما هیچ وقت گل نمی‌کنیم! باید جلوی اینها را بگیریم و یک برنامه دیگر درست کنیم به نام «چاووش».

گفتند «گلها» را بهم بزنیم؟! خب شما هم برنامه خودتان را درست کنید و «گلها» هم راه خودش را برود. به هر صورت. گفتند نه! ما هم گفتیم خب ما که کاره‌ای نیستیم و خودمان را کشیدیم کنار. ولی آنها با من بد کردند و انگ زدند که رفیق شاه است! بعدا پرسیدم و گفتم آقا من می‌خواهم بدانم چه کسی پشت من این حرف‌ها را زده؟! گفتند دوستانتان! من وقتی که فهمیدم دوست از پشت به آدم خنجر می‌زند، گفتم چرا بنشینم که از دوست خنجر بخورم، به جایش خودم را می‌کشم کنار و گفتم من دیگر کار نمی‌کنم و از آن به بعد هم دیگر کار نکردم!

من اگر هر کجای دیگر این دنیا بودم، پول مانند آبی که شیر سماور می‌آید، برایم می‌آمد؛ ولی من ایران را دوست دارم، این جا هم نشسته‌ام و سکوت می‌کنم. من عاشق ایرانم، در ایران به دنیا آمده‌ام و پدر و مادرم همین جا دفن شده‌اند، از ایران بروم دیوانه می‌شوم، به قول خودشان که می‌گویند هُم‌سیک شده‌ای؛ این هم داستان ماست. یکی از سوالات من از بچه‌ها این است که چرا بعد از انقلاب جلوی پخش صدایم را از رادیو گرفتند و می‌گیرند؟ چون من با همه‌شان رفتاری داشته‌ام بشدت برادرانه و خوب و فکر نمی‌کردم اینها با من این کار را بکنند.

چند سال پیش در یک جلسه‌ای در خانه ما، یکی از آقایان مسئول گفت من به عشق صدای گلپا از شهرستان به تهران آمدم! همسرم گلی بشدت رُک است و همان جا گفت آقا شما دروغ می‌گویی! او گفت چرا؟! گلی گفت شما اول انقلاب طومار درست کردی که شوهر مرا اعدام کنند!... طومار درست کرده بودند که این رفیق شاه است، گفتم بابا من رفیق امیرالمومنینم؛ «همه درها اگر بسته، در قصر خدا بازَه، بگو هو یاعلی مولا، علی مولا سبب‌سازه» چرا این را نمی‌گویی و آن راچسبیده‌ای؟!

دعوتم می‌کنند که بروم تالار رودکی برنامه اجرا کنم که من اسمش را گذاشته‌ام تالار زورکی. من پایم را هیچ کجا نمی‌گذارم، در خانه‌ام باز است، خانه درویشان است، هر کسی می‌خواهد بیاید و برود ولی من جایی نمی‌روم. من بروم چه بگویم، جز این است که بروم آن بالا، دلم بسوزد که موسیقی‌مان به این حال افتاده و گریه‌ام بگیرد؟! ما چه بگوییم؟!

یک آقایی آمد به من گفت شما بیا برای ما پنج، شش آهنگ بخوان. گفتم آخر من نباید بخوانم. گفت نه مشکلی نیست. گفتم من خودم برای خودم مشکل می‌تراشم، بگذارید من نخوانم. بالاخره راضی‌ام کرد، آهنگ‌ها برای فضل‌الله توکل بود و شعر و آهنگ بسیار زیبا بود. اسم سی‌دی هم بود «مست عشق» که اتفاقا در همان سالی هم که منتشر شد، در سال ۸۲ تبدیل به پرفروش‌ترین سی‌دی سال شد. این داستان ما بود. از آن به بعد هم تصمیم گرفتم نخوانم.

ایرج صدای بی‌نظیری داشت، همدوره من بود، در مدرسه نظام با من همشاگردی بود و یکی از صداهای خوب و قشنگ دوران خودش به حساب می‌آمد؛ حالا اگر ایرادی هم به بعضی کارهایش وارد می‌دانید، چرا آهنگساز را ول می‌کنید، شاعر را ول می‌کنید و فقط یخه خواننده را می‌گیرید؟! حالا اگر شاعر آمده به او گفته بخوان «آقا دزده سلام، حالت چطوره، سلام» گناهکارش ایرج نیست که! ایرج هم می‌گوید آقا من می‌خواهم زندگی‌ام را بکنم. تختی با من خیلی رفیق بود و وصیت کرده بود اگر زودتر از گلپا رفتم، گلپا سر خاکم بخواند. عروسی تختی هم فقط من بودم، همسرم، فردین و بدیع‌زاده. وصیت کرده بوده وقتی می‌خواهند در خاک بگذارندش، فلانی یک شعری برای من بخواند. پسرش به من گفت ما داریم یک مستند از آقای تختی می‌سازیم، شما هم بیا که تصویرتان باشد.

جوانی جاودان محمود دولت آبادی

نویسنده برجسته ایرانی از قربانی شدن جوانان پای جاه‌طلبی پیران می‌نویسد

پولاد امین| همین چند روز پیش بود؛ روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی که خبر آمد محمود دولت‌آبادی درحال سامان دادن به کتاب جدیدی است که بر پایه داستان‌های شاهنامه نوشته می‌شود. کتابی که برنایان جاودان نام خواهد داشت و به گفته محمود دولت‌آبادی بزرگ شامل برخوانی سرگذشت سهراب، سیاوش و اسفندیار در شاهنامه‌است.

محمود دولت‌آبادی البته جز این برای چیز دیگری هم خبرساز شده بود. او که شادی و دست افشانی‌اش در کنسرت لیان نشان از برنایی جاودانش داشت، به «شهروند» گفت که برنایان جاودان از شاهنامه فردوسی به مقوله جوان و جوانی در تاریخ ادبیات ایران پرداخته و این که چگونه جوانان قربانی جاه‌طلبی پیران در شاهنامه از جمله پدران‌شان می‌شوند.

دولت‌آبادی با اشاره به این که گزینش، ویرایش، طومار و برخوانی این سه شخصیت جوان شاهنامه را برای تازه‌ترین کارش انتخاب کرده گفت: ویژگی این سه شخصیت زلالی و جوانی آنهاست در مقابل رفتارهای خسیسانه پیرانه‌سرانی در شاهنامه که حاضرند برای بقای بیشتر، جوانان را طعمه و قربانی سیاست‌های خود کنند. من می‌توانستم بیژن یا فرود را هم برای این کار انتخاب کنم اما فارغ از این که پرداخت شخصیت سهراب، سیاوش و اسفندیار در شاهنامه کامل‌تر است؛ آنها سرنوشت مهمتری به نسبت دیگر شخصیت‌ها دارند و برای این کار مناسب‌تر بودند.

این نخستین بار نیست که محمود دولت‌آبادی سراغ ادبیات کلاسیک می‌رود. او که پیش از این داستان و نسخه صوتی بردار کردن حسنک وزیر از کتاب تاریخ بیهقی را در اختیار علاقه‌مندان متون ادبی کلاسیک قرار داده بود، درباره زمان انتشار برنایان جاودان گفت: سعی خواهیم کرد داستان سهراب در سال جاری منتشر شود و بعد از آن داستان سیاوش به دست خواهد آمد و سپس اسفندیار. این نویسنده برجسته ایرانی در پایان گفت که سه‌گانه برنایان جوان در قالب یک پروژه صوتی به همراه کتاب منتشر خواهد شد.